زندگانی سیاسی

امام علی علیه السلام

دکتر مجید معارف

بسم الله الرحمن الرحیم

زندگانی سیاسی امام علی علیه السلام

نویسنده:

مجید معارف

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زندگانی سیاسی امام علی علیه السلام

مشخصات کتاب

نام کتاب: زندگانی سیاسی امام علی علیه السلام

نویسنده: دکتر مجید معارف

موضوع: عتبات عالیات و سوریه

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص: ۷

پیشگفتار

از بارزترین ابعاد شخصیت علی علیه السلام موضوع حیات سیاسی آن حضرت و تجلی آن در دوره‌های مختلف زندگی آن امام است. با مطالعه در حیات پربار امیرالمؤمنین علی علیه السلام روشن می گردد که آن حضرت در طول زندگانی خود از سیره ویژه‌ای پیروی نموده و بر ارزش‌های خاصی پافشاری کرده که مهم‌ترین ویژگی آن تأثیرپذیری از مکتب اسلام است.

همچنین با نظر در زندگانی پیشوای نخستین شیعیان، روشن می گردد که آن حضرت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، نظامی، اخلاقی، فرهنگی و ... اسوه‌ای بی‌نظیر و شخصیتی ممتاز بوده است؛ به طوری که برای محققی که درباره زندگی آن بزرگوار به بررسی می‌پردازد انتخاب و ترجیح بعدی از زندگانی آن حضرت بر بعدی

ص: ۸

دیگر کاری دشوار می‌باشد.

سیره نویسان و محققان تاریخ اسلام بر این مطلب اتفاق نظر دارند که زندگانی علی علیه السلام از سه مقطع کاملًا مجزّا و به شرح زیر تشکیل شده است:

دوره اول: عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

دوره دوم: عصر خلفای سه گانه

دوره سوم: عصر خلافت ظاهری

درباره هر یک از دوره‌های فوق بحث و تحلیل‌های فراوانی وجود دارد که دانشمندان شیعه و سنّی در کتب و آثار خود به آن پرداخته‌اند، اما در این تحقیق تنها به جنبه خاصی از حیات امیرمؤمنان یعنی حضور سیاسی آن حضرت، در دوره اول که همزمان با بعثت و رسالت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است پرداخته شده و امید است که مقاطع دیگر حیات علی علیه السلام در جزوه‌های دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

ص: ۹

عصر پیامبر اسلام

عصر پیامبر اسلام

به اعتراف سیره‌نویسان علی علیه السلام از اوان کودکی با رسول خدا صلی الله علیه و آله مرتبط گردید و تحت تربیت آن حضرت قرار گرفت. این دوره بدون تردید قبل از ده سالگی علی علیه السلام بوده است. در این مورد ابن‌ابی الحدید از قول بلاذُری نوشته است: «سالی خشکسالی و قحطی شدیدی در مکه واقع شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به دو عموی خود حمزه و عباس پیشنهاد کرد که هر کدام با قبول سرپرستی یکی از فرزندان ابوطالب بار زندگی را بر او سبک نمایند. پس به اتفاق هم نزد ابوطالب رفتند و از وی درخواست کردند که سرپرستی فرزندی را به عهده آنان گذارد. ابوطالب به آنان گفت:

عقیل را برای من بگذارید و هر پسر دیگری را که بخواهید برای خود برگزینید. عباس طالب را انتخاب نمود، حمزه جعفر را برای خود اختیار کرد و محمد نیز دست علی علیه السلام را گرفت و به آنان گفت: من کسی را برای خود برگزیده‌ام که

ص: ۱۰

خدا برایم برگزیده است».

ابن ابی الحدید پس از نقل این ماجرا می‌افزاید: «به عقیده مورخان علی علیه السلام از سن شش سالگی در دامن رسول خدا صلی الله علیه و آله پرورش یافت».(۱)۱ این واقعه سبب گردید که علی علیه السلام از همان کودکی تحت مراقبت رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گیرد و در عمل از شخصیت آن بزرگوار تأثیر بپذیرد که نظیر آن را از پدر خود نگرفته باشد. دلیل این مطلب آن است که با وجود مهتری ابوطالب در بین قریش و حمایت بی‌دریغ وی از رسول خدا صلی الله علیه و آله- پس از علنی شدن دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله- علی علیه السلام در هیچ سخنی به تأثیرپذیری خود از پدر اشاره ندارد، بلکه آنچه آن حضرت به صراحت از آن سخن گفته مسأله همراهی وی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و تأثیرپذیری مطلق از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد.

از جمله در خطبه قاصعه خطاب به اصحاب پیامبر می‌فرماید: «شما از خویشاوندی نزدیک من با رسول خدا صلی الله علیه و آله و منزلت مخصوص من نزد آن حضرت آگاه هستید. کودک بودم که مرا در دامان خود قرار داد. مرا به سینه‌اش می‌فشرد ... و بوی خوش خود را به من می‌بویانید.

۱- . شرح نهج‌البلاغه ۱./ ۱۵، السیرة النبویه معروف به سیره ابن هشام ۱./ ۲۳۶.

ص: ۱۱

و او با دست خود غذا در دهان من می‌گذاشت».(۱)۲ و باز در همین خطبه توضیح می‌دهد که:

«وَ لَقَدْ کُنْتُ اتَّبِعهُ اتبّاعِ الفَصیلِ اثَرَ امّه یَرفَعُ لی فی کُلِّ یَوْمٍ مِنْ اخْلاقِهِ عِلْماً و یَأمُرُنی بالاقتداءِ بِهِ».(۲)۳

یعنی: من بسان بچه ناقه‌ای که به دنبال مادر می‌رود در پی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رفتم. او هر روز یکی از فضائل خود را به من تعلیم می‌کرد و سفارش می‌کرد که از آن پیروی کنم.

با توجه به این مصاحبت همه جانبه است که علی علیه السلام از همان کودکی به اسرار و حقایقی دست یافت که تنها رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن حقایق واقف شده بود. آن حضرت همه جا سایه به سایه پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ در شهر و یا در خارج از شهر و در دشت و یا کوهستان. و از این جهت حقیقتی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مکشوف نمی‌گشت مگر آنکه علی علیه السلام در جریان قرار می‌گرفت. بنابراین تعجبی ندارد که آن حضرت نخستین ایمان آورنده به رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد، حضرتش در همان خطبه می‌فرماید:

«هر سال در حِرا خلوت می‌گزید. من او را می‌دیدم و جز من کسی وی را نمی‌دید. در آن هنگام جز خانه‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه در آن بود، در هیچ خانه‌ای مسلمانی راه نیافته بود، و من سومین آنان بودم. روشنایی

۱- . نهج‌البلاغه صبحی صالح/ ۴۰۶.

۲- . همان/ ۴۰۶.

ص: ۱۲

وحی و پیامبری را می‌دیدم و بوی نبوت را استشمام می‌کردم».(۱)۴ و باز در جای دیگر اضافه می‌کند که: «هیچ‌کس پیش از من به پذیرفتن دعوت حق نشتافت و چون من صله رحم و افزودن در بخشش نیافت».(۲)۵

۱- . نهج‌البلاغه صبحی صالح/ ۴۰۶.

۲- . همان/ ۲۵۷.

ص: ۱۳

علی (ع) و بعثت پیامبر (ص)

علی علیه السلام و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله

چنان‌که گذشت علی علیه السلام نخستین کسی است که از مردان به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد. بر این مطلب مورخان شیعه و سنّی اتفاق نظر دارند. اما برخی از مورخان اهل سنّت درصدد برآمدند که ایمان علی علیه السلام درلحظه بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله را، ایمان کودکی نابالغ جلوه دهند و از ارزش آن بکاهند؛ اینان توجه نکرده‌اند که این رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که دعوت خود را به علی علیه السلام عرضه داشت و در حادثه «یوم‌الانذار» دست علی علیه السلام را به عنوان نخستین ایمان آورنده در دست خود فشرد و او را به عنوان برادر، وصی و خلیفه بعد از خود به مردم معرفی کرد، و بنابراین در صورتی که ایمان علی علیه السلام از ارزش و اعتبار اسلامی برخوردار نباشد، اقدام رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز کاری لغو و بی‌ارزش قلمداد می‌شود. ابن اسحاق- به عنوان قدیمی‌ترین سیره‌نویس اهل سنت- آورده است:

ص: ۱۴

«اولین کسی که از مردان به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد، با او نماز گزارد و دعوت وی را تصدیق نمود، علی‌بن ابی طالب علیه السلام بود. او در این زمان کودکی ده ساله بود، اما از نعمت‌هایی که خداوند علی علیه السلام را به آن مخصوص کرد یکی آن بود که آن حضرت قبل از اسلام در دامان رسول خدا صلی الله علیه و آله رشد نمود».(۱)۶ طبری مورخ دیگر اهل سنت با ذکر حادثه «یوم‌الانذار» در کتاب خود این مطلب را مورد تصریح قرار داده است که:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز دست خود را به دست علی علیه السلام زد و خطاب به قریش فرمود: این، برادر و وصی من و نیز خلیفه من در بین شماست. سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید. اما قوم او خنده‌کنان برخاستند و به ابوطالب می‌گفتند که: به تو فرمان داد که از پسر خود شنوا باشی و او را اطاعت کنی!».(۲)۷ به هر جهت از این زمان بود که حضور علی علیه السلام در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله معنای ویژه‌ای یافت. آن حضرت به عنوان وزیر و یاور پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله عهده‌دار وظایف و تکالیفی گردید و به شرحی که خواهیم گفت این معاونت و همراهی تا پایان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله ادامه یافت.

۱- . سیره ابن هشام ۱/ ۲۶۲ به نقل از ابن اسحاق

۲- . تاریخ طبری ۲/ ۳۲۱.

ص: ۱۵

اتحاد و یگانگی روحی با رسول خدا (ص)

اتحاد و یگانگی روحی با رسول خدا صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوند ویژه‌ای با علی علیه السلام برقرار نمود که نظیر آن را با هیچکدام از اصحاب خود برقرار نفرمود. این پیوند در قالب عقد مواخات و موازرت صورت گرفت و براساس آن اتحاد و یگانگی خاصی بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام به وجود آمد. و براساس همین اتحاد روحی و معنوی بود که کار و اقدام علی علیه السلام به مثابه کار و اقدام رسول خدا صلی الله علیه و آله و کار و اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله به منزله کار و اقدام علی علیه السلام به شمار می‌رفت. ابتدا قراینی در خصوص این پیوند ذکر کرده و سپس به تحلیلی در این باره می‌پردازیم:

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله در بین اصحاب خود علی علیه السلام را به عنوان برادر خود اختیار کرد و به او فرمود:

«انتَ اخی فی الدنیا والآخِرهْ»

. این مطلب را رسول خدا صلی الله علیه و آله نه یک بار، که در مواضع متعددی بیان کردند. یکی از مواضعی که

ص: ۱۶

رسول خدا صلی الله علیه و آله به ذکر این مطلب تصریح فرمود، مربوط به برقراری پیوند برادری در بین اصحاب خود بود. این واقعه پس از هجرت به مدینه اتفاق افتاد. در این مراسم پیامبر صلی الله علیه و آله میان هر دو مهاجر و نیز هر یک از مهاجران با یک نفر از انصار مدینه، پیوند برادری منعقد نمود، ولی در مورد خویش جز علی علیه السلام کس دیگری را به عنوان برادر اختیار نفرمود.

ابن هشام تحت عنوان برادری بین مهاجرین و انصار می‌نویسد: «رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه با تعبیر:

تآخوا فی اللّهِ اخوین اخوین

، بین مهاجرین و انصار پیوند برادری منعقد فرمود، اما خود دست علی بن ابی طالب را گرفت و فرمود:

هذا اخی

».(۱)۸ ۲. ترمذی از براءبن عازب روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

«انتَ مِنّی و انا مِنک».(۲)۹

۳. سیوطی از قول محدثان اهل سنت از جمله ترمذی، نسایی و ابن ماجه روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«علی مِنّی و انا من علی».(۳)۱۰

۴. باز ترمذی از حبشی بن جُناده آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «علی از من است و من از علی علیه السلام. و کسی

۱- . سیره ابن هشام ۲/ ۱۵۰.

۲- . سنن ترمذی ۵/ ۵۹۳.

۳- . تاریخ الخلفا ۱/ ۱۶۹.

ص: ۱۷

نمی‌توانـد مسؤولیت‌های مرا ادا کند جز خودم یا علی علیه السـلام».(۱)۱۱ ناگفته نمانـد که پیوند برادری که بدین وسیله بین رسول خـدا صـلی الله علیـه و آلـه و علی علیـه السـلام منعقـد گردیـد غیر از اخـوت کلی اسـلامی است که قرآن براسـاس: «إِنَّمَـا الْمُؤْمِنُـونَ إِخْوَةٌ»(۲)۱۲ معین کرده است. زیرا براساس رابطه برادری بین رسول خدا صـلی الله علیه و آله و علی علیه السـلام حقوق متقابلی بین آن دو بزرگوار به وجود آمد که هر دو نفر مکلف به رعایت آن شدند. از جمله این حقوق آنکه علی علیه السلام وارث رسول خدا صلی الله علیه و آله گردیـد و با وجود علی علیه السـلام، عباس عموی پیامبر صـلی الله علیه و آله نیز ادعایی جهت میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله نکرد. زیرا مطـابق رابطه‌ای که در روز مواخـات رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله بین مسـلمانان برقرار نمـود، هر مسـلمانی می‌توانست به عنوان وارث برادر خود نیز تلقی گردد. چنـان‌که رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در روز مواخـات بین بلال حبشـی و ابو رُوَیحه (عبـداللَّه بن عبـدالرحمن خَثعَمی) پیونـد برادری منعقد نمود و این رابطه هرگز گسسـته نگشت، جهت اطلاع از نتایج این برادری در تاریخ آمده است که:

«در عصـر خلیفه دوم بلال از مـدینه به شام مهاجرت نمود و در آنجا رحل اقامت افکند. و چون خلیفه دوم به تنظیم دواوین پرداخت و سهم هر کدام از مهاجرین و

۱- . سنن ترمذی ۵/ ۵۹۴.

۲- . سوره حجرات/ ۱۰.

ص: ۱۸

انصار را تعیین نمود، بلال جهت دریافت سهم و مقرری خود در مدینه حضور نداشت. و چون عمر برای او پیغام فرستاد که ای بلال سهم خود را برای چه کسی قرار می‌دهی، بلال در پاسخ گفت: سهم خود را برای ابورُویحه قرار می‌دهم. و دلیل آن، اخوتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بین من و او برقرار نمود که هرگز از او مفارقت نخواهم کرد».(۱)۱۳ به همین ترتیب رسول خدا صلی الله علیه و آله با به زبان آوردن:

«علّی منّی و انا من علی»

اتحاد ویژه‌ای بین خود و علی علیه السلام به وجود آورد که به موجب آن هر دو بزرگوار در حکم شخص واحدی تلقی شده و از تعهد متقابلی نسبت به یکدیگر برخوردار شدند.

برای اطلاع بهتر از حقوق متقابلی که با تعبیر:

«علیٌ منّی و انا من علی»

بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام برقرار گردید، متذکر می‌شویم که: قبل از ظهور اسلام پیمان‌های متعددی در بین اعراب جاری و متداول بود. به موجب این پیمان‌ها، گاه فردی با فرد دیگر، گاه قبیله‌ای با قبیله دیگر و گاه نیز فردی با قبیله‌ای پیمان‌هایی از جمله پیمان برادری، پیمان تابعیت و یا پیمان موالات منعقد می‌نمود. هر یک از این پیمان‌ها از نظر حقوقی و سیاسی قانونیت و اعتبار داشت و

۱- . سیره ابن هشام ۲/ ۱۵۳.

ص: ۱۹

تعهدات متقابلی را جهت طرفین پیمان به وجود می‌آورد.

به عنوان مثال: اگر شخصی با به زبان آوردن:

«فُلانٌ منّی و انَا مِنْ فلان»

با شخص یا قبیله‌ای پیمانی برقرار می‌کرد، این عبارت هر یک از طرفین را ملزم می‌ساخت که به طور کامل از حقوق و منافع دیگری حمایت کند و از هر جهت او را چون خود یا عضو قبیله خود بداند، مگر آن‌که در شرایطی با ذکر:

«فُلانٌ لَیْسَ منّی و لا انَا مِنْه»

پیوند و اتّصال خود را رسماً لغو نماید.

به عقیده برخی از محققان: در تمام مواردی که در زبان عرب و در جملاتی مانند «فلان منّی و انَا مِنْ فُلان» حرف «من» به کار رفته، این حرف حکایت از نوعی اتّصال روحی و اتّحاد معنوی بین دو نفر می‌کند و از این جهت برخی این «من» را من اتّصالیه نامیده‌اند.(۱) ۱۴ در قرآن کریم نیز آنجا که خداوند به نوح می‌فرماید: «یا نُوحُ إِنَّهُ لَیْسَ مِنْ أَهْلِکَ»(۲) ۱۵- یعنی: ای نوح پسر تو از اهل تو نیست- در واقع اتصال روحی و معنوی نوح با فرزندش نفی شده است نه آنکه اصل رابطه پدر و فرزندی مورد انکار قرار گیرد.

پس از ذکر این مقدّمات خاطر نشان می‌کنیم که: مطابق سابقه‌ای که قبل از ظهور اسلام در جزیرةالعرب وجود

۱- . جهت اطلاع بیشتر بنگرید به کتاب یادنامه علامه امینی مقاله «حسین منی و انا من حسین» از محمد باقر بهبودی.

۲- . هود: ۴۶

ص: ۲۰

داشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله با به زبان آوردن:

«عَلیّ منّی و انَا مِنْ عَلیّ»

اتحاد کامل روحی و نفسانی خود را با علی علیه السلام اعلام داشت؛ همچنانکه قرآن کریم نیز در آیه مباهله از علی علیه السلام با تعبیر نفس پیامبر صلی الله علیه و آله یاد کرده است. نتیجه چنین رابطه‌ای بین پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در طول حیات خود از علی علیه السلام در مقابل دشمنانش دفاع نمود و به کسی اجازه تعرض و جسارت به علی علیه السلام نداد و علی علیه السلام نیز چه در جنگ و چه غیر جنگ وظیفه دفاع و حمایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله را به عهده گرفت و با فداکاری‌های مکرّر خود مهم‌ترین نقش را در حفظ رسول خدا صلی الله علیه و آله از توطئه‌های دشمنان و تثبیت اسلام ایفا نمود. در این خصوص قراین بیشماری در منابع تاریخی و حدیثی وجود دارد که در بررسی حوادث مهم دوران رسالت به آن اشاره می کنیم.

ص: ۲۱

علی (ع) و حوادث مهم دوران رسالت

علی علیه السلام و حوادث مهم دوران رسالت

اشاره

با مطالعه زندگانی حضرت علی علیه السلام روشن می گردد که نقش آن حضرت در جریانات سیاسی و نظامی عصر رسالت، نقشی بی‌نظیر و ممتاز است. آن حضرت بیش از هر صحابی دیگر به رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک بود و بدون هیچ درنگی آماده هر مأموریتی بود که از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله به وی واگذار می گردید.

همگامی علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله از آغاز رسالت آن حضرت، امری مشهود است، اما هر چه به پایان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیکتر می‌شویم این همراهی نمایان‌تر می گردد.

آری؛ جهت همگامی وسیع علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله فضایلی برای‌امیرمؤمنان ظاهر گردیده‌است که هیچ کدام از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در آن فضایل با آن حضرت شریک نمی‌باشند.

در اینجا از بین حوادث مهمی که علی علیه السلام در آن نقش مؤثری ایفا کرده است به ذکر دوازده مورد بسنده می‌شود:

ص: ۲۲

۱. نخستین ایمان آورنده

به طوری که قبلًا گذشت علی علیه السلام نخستین کسی است که از مردان به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد و در واقعه یوم‌الانذار نیز بیعت خود را به صورت آشکار با رسول‌خدا صلی الله علیه و آله اعلام نمود. در این مورد شواهد بسیاری در کتب تاریخی آمده است که ذکر همه آن‌ها ضرورتی ندارد.

بنابر یکی از این شواهد که طبری از قول ربیعهٔبن ناجذ ذکر کرده است، در دوران خلافت امیرمؤمنان علیه السلام شخصی از آن سرور سؤال نمود که: ای امیرمؤمنان، به چه دلیل شما وارث پسرعموی خود شدید و عموی شما- یعنی عباس- از این حق محروم ماند؟ حضرت وی و سایر مسلمانان را به استماع پاسخ خود دعوت فرمود و جریان یوم‌الانذار را تعریف نمود. و مخصوصاً این مطلب را به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله مورد تأکید قرار داد که: «در آن روز پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به حاضران گفت:

«فَأَيُّكُمْ يُبَايِعُنِی عَلَی انْ یَکونَ اخی و صاحبی وَ وارِثی؟»؛

یعنی: «کدام‌یک از شما بر این دعوت با من بیعت می‌کند تا به این وسیله برادر من و وارث و صاحب من باشد؟» اما در آن مجلس کسی برنخاست و من که کوچک‌ترین فرد آن جماعت بودم بپا خاستم.

رسول‌خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنشین و تا سه نوبت دعوت خود را تکرار نمود. و هر بار که من بر می‌خاستم آن حضرت مرا دعوت به نشستن می‌کرد. اما در بار سوم دستش را بر دست

ص: ۲۳

من زد و بیعتم را تصویب نمود. به این جهت من وارث رسول خدا صلی الله علیه و آله شدم و عموی من محروم گردید.(۱)۱۶

۲. حادثه لیلهٔ‌المبیت

با گذشت سیزده سال از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و در پی گسترش موج اسلام و هجرت جمعی از مسلمانان به حبشه و یثرب، سران کفر به فکر مقابله جدّی با پیامبر صلی الله علیه و آله افتادند و تصمیم به ترور و یا اخراج او از مکه گرفتند. بدین منظور سران شرک در دارالنّدوه به مشورت پرداخته، سرانجام به این نتیجه رسیدند که از هر قبیله‌ای جوانی انتخاب کنند و با حمله به خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به قتل رسانند.

این همان حادثه‌ای است که قرآن مجید به این شکل از آن خبر داده است: «به خاطر بیاور هنگامی را که کافران درباره تو نقشه می‌کشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به قتل برسانند و یا از (مکّه) اخراج کنند. آنها چاره‌جویی کرده و (تدبیر می‌کردند) و خداوند هم تدبیر می‌کرد. و خدا بهترین چاره‌جوست».(۲)۱۷ در اینجا بود که فرشته وحی رسول خدا صلی الله علیه و آله را از تصمیم مشرکان آگاه ساخت و فرمان الهی را مبنی بر ترک مکه و

۱- . تاریخ طبری ۲/ ۳۲۲.

۲- . انفال/ ۳۰.

ص: ۲۴

هجرت به مـدینه به وی ابلاـغ کرد. رسول گرامی صـلی الله علیه و آله موضوع را با علی علیه السـلام در میان گـذاشت و برای آنکه خروج وی از مکّه جلب نظر نکنـد، از علی علیه السـلام درخواست نمود که شب را در بستر او بیارامد. علی علیه السـلام با فداکاری تمـام پیشـنهاد پیامبر صـلی الله علیه و آله را پـذیرفت و آن شب را در بستر پیامبر صـلی الله علیه و آله به استراحت پرداخت. در نتیجه این کار رسول خدا صلی الله علیه و آله موفق گردید از منزل خارج شود و راه مدینه را در پیش گیرد.

وقتی مشرکان به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله حمله کردند با علی علیه السلام روبرو گشتند و پس از تعرّض مختصری به علی علیه السلام به قصد تعقیب پیامبر صلی الله علیه و آله از او جدا شدند.

خـدای متعـال در بـاب فـداکاری علی علیه السـلام این آیه را نـازل فرمود که: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْـرِی نَفْسَهُ ابْتِغـاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ»(۱)۱۸؛ «برخی از مردم- چون علی علیه السـلام جان خود را به خاطر خشـنودی خـدا می‌فروشـند. و خداونـد نسـبت به بندگان مهربان است».

طبرسـی رحمهـم الله در تفسـیر خـود در شـأن نزول ایـن آیه از قـول ابن عبـاس آورده است: «این آیه دربـاره علی علیه السـلام نـازل گردید، آنگاه که پیامبر صـلی الله علیه و آله از دست مشـرکان فرار کرد و به غار پناه برد و علی علیه السـلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله آرمید. و آیه فوق نیز در بین مکّه و مدینه نازل گردید. و باز گوید: روایت

۱-. بقره/ ۲۰۷.

ص: ۲۵

شده که چون علی علیه السلام بر بستر پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت، جبرئیل بر بالای سر و میکائیل در پائین پای علی علیه السلام قرار گرفت و جبرئیل گفت: آفرین بر تو ای علی علیه السلام که خداوند به واسطه تو به فرشتگان مباهات می‌کند».(۱)۱۹ علی علیه السلام علاوه بر استقرار در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله متعهد گردید که به محض دریافت دستور از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله امانت‌های مردم را که در اختیار آن حضرت قرار داشت به صاحبان آن‌ها برگرداند و به همراه بستگان نزدیک خود و پیامبر صلی الله علیه و آله-/ از جمله فاطمه بنت اسد و فاطمه زهرا علیها السلام به سوی یثرب عزیمت کند. و به شرحی که در کتاب‌های تاریخی آمده است پس از رسیدن پیغام رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آن حضرت طبق وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کرده و سپس به سمت مدینه حرکت نمود. و نکته قابل ذکر آن‌که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز پیش از رسیدن به مدینه در منطقه قبارحل اقامت افکند و در آنجا چندان به انتظار نشست تا علی علیه السلام و همراهانش از راه رسیدند و گویا نمی‌خواست که در ورود به مدینه بر علی علیه السلام پیشی بگیرد.(۲)۲۰

۱- . مجمع البیان ۲/ ۵۳۵ و نیز بنگرید به تفسیر فخر رازی ۵/ ۲۲۳، اسدالغابه ۳/ ۶۰۱.

۲- . جهت اطلاع بیشتر بنگرید به بحارالانوار ۱۹/ ۱۰۶ به نقل از اعلام‌الوری.

ص: ۲۶

۳. جنگ بدر

جنگ بدر نخستین جنگ مهم اسلام است که در آن ۳۱۳ تن از مسلمانان، آنهم با ساز و برگ نه چندان مناسب، در مقابل هزار تن از کفّار و مشرکان که تا دندان مسلح بودند، قرار گرفتند. به گفته مورخان:

پیامبر صلی الله علیه و آله با سیصد و سیزده تن از مسلمانان از مدینه خارج گردید تا راه را بر کاروان تجارت قریش که به رهبری ابوسفیان در گذر بود ببندد و پاسخی به تجاوزها و شیطنت‌های قریش- که همواره به آزار مسلمانان می‌پرداختند- بدهد. اما تقدیر چنین بود که ابوسفیان در جریان امر قرار گیرد و از قریش یاری طلبد. قریش با تمام نیرو برای نجات کاروانیان و جنگیدن با محمد صلی الله علیه و آله و یارانش از مکه خارج شد و راه بدر را در پیش گرفت.(۱)۲۱ این جنگ از نظر سیاسی و اقتصادی از ارزش بالایی برای مشرکان برخوردار بود و پیروزی در آن می‌توانست علاوه بر امنیّت بخشیدن به راه‌های تجارتی موقعّیت قریش را که در پی هجرت مسلمانان به مدینه تضعیف شده بود، بهبود بخشد.

جنگ بدر در هفدهم رمضان سال دوم هجری اتفاق افتاد. با توجّه به نابرابری مشرکان و مسلمانان از نظر تعداد

۱- . سیرةالائمة الاثنی عشر ۱/ ۱۹۱.

ص: ۲۷

نفرات و امکانات جنگی، پیروزی مسلمانان بر کفار و مشرکان قابل تصوّر نبود. امّا امداد غیبی الهی و نبرد دلاورانه چند تن از مسلمانان به ویژه علی علیه السلام و حمزه کار را بر مشرکان دشوار نمود و سرانجام شکست و هزیمت را نصیب آنان ساخت. در این جنگ هفتاد تن از جنگاوران قریش کشته شدند و دهها تن از آنان نیز به اسارت درآمدند. و به تحقیق شیخ مفید رحمهم الله بیش از نیمی از این تعداد- یعنی بیش از سی و شش نفر- به دست علی علیه السلام کشته شدند.(۱)۲۲ از جمله کسانی که در جنگ بدر به دست علی علیه السلام به هلاکت رسیدند پدر و برادر و فرزند هند (همسر ابوسفیان) به نام‌های «عُتبه»، «ولید» و «حنظله» می‌باشند. در نامه‌ای که علی علیه السلام در دوران خلافت خود به معاویه نوشت او را یادآور ساخت که:

«وَ عِنْدِی السَّیْفُ الَّذِی أَعْضَضْتُهُ بِجَدِّکَ وَ خَالِکَ وَ أَخِیکَ فِی مَقَامٍ وَاحِدٍ».(۲)۲۳

یعنی: «و نزد من است همان شمشیری که آن را در یک روز بر جدّ تو (عتبه) و دایی تو (ولید فرزند عتبه) و برادرت (حنظله) فرود آوردم».

با توجه به این مطالب جنگ بدر چنان داغی بر دل خاندان ابوسفیان نهاد که حتّی پیروزی قریش در جنگ

۱- . ارشاد مفید/ ۶۴.

۲- . نهج‌البلاغه صبحی صالح/ ۶۳۱.

ص: ۲۸

احد نیز نتوانست مرهم آن داغ به حساب آید. و تنها پس از فاجعه کربلا بود که یزید بن معاویه اشعاری سرود که در آن شهادت حسین بن علی علیه السلام و یارانش را انتقامی در برابر واقعه بدر اعلام نمود.(۱)۲۴

۴. نبرد احد

در سال سوم هجری سپاه مشرکان قریش به تلافی شکست بدر، با سه هزار تن عازم مدینه گشت. در این جنگ ابوسفیان دو بت قریش یعنی لات و عزّی را با ارتش خود همراه نمود. و علاوه بر آن پانزده تن از زنان قریش را به سرکردگی همسر خود، برای تشجیع جنگاوران به همراه آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از اطلاع از حرکت قریش، در مدینه شورای جنگی تشکیل داد و در مورد خروج از مدینه و یا ماندن در شهر، با آنان به مشورت پرداخت. اکثر مسلمانان- از جمله حمزه- معتقد بودند که رویارویی با مشرکان در خارج از مدینه صورت پذیرد و لذا با آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله شخصاً مایل به ماندن در مدینه بود، لکن موافقت خود را نسبت به خروج از شهر اعلام کرد و با هزار تن از مسلمانان عازم احد گردید. در بین راه عبداللّه بن ابیّ- سرکرده منافقان- با سیصد تن از افراد تحت فرمان

۱- . بحارالانوار ۴۵/ ۱۵۷.

ص: ۲۹

خود به مـدینه بازگشت. و در نتیجه پیامبر صـلی الله علیه و آله با هفتصـد تن از مسـلمانان در مقابل سه هزار تن از نیروی قریش قرار گرفت.

چنان‌که در منابع تاریخی به تفصیل آمـده است، آغاز جنگ با نبرد تن به تن پرچمـداران قریش با علی علیه السـلام آغاز گردید. و در روایـتی که حسن بن محبوب از امـام صـادق علیه السـلام آورده است: «پرچمـداران جنـگ احـد ۹ تـن از قهرمانـان قریش و بنی عبدالـدار بودنـد که علیّ بن ابی طـالب علیه السـلام تا آخرین نفرشان را از دم تیغ گذرانـد». و بنا به روایات دیگر با به خاک افتادن پرچمداران قریش، چنان رعبی بر سـپاه قریش چیره شد که عملًا کسـی جرأت به دست گرفتن پرچم را به خود نداد تا آن‌که زنی به نـام عَمْرهٔ بنت علقمه حارثیّه به سوی پرچم آمـد و آن را در دست گرفت، امّا در این زمان دو لشـگر با هم درگیر شدنـد و به سـبب رشادت و سـلحشوری مسـلمانان، پس از اندکی نبرد، کفّار قریش دچار هزیمت شده، پا به فرار گذاشتند. سپاه پیامبر صلی الله علیه و آله فراریان را تعقیب کردند. تا به خیمه‌های قریش رسیدند و در درون خیمه‌ها به جمع‌آوری غنایم سرگرم شدند.

در این هنگام مسـلمانانی که به فرمان پیامبر صـلی الله علیه و آله بر فراز کوه مسـتقر و به نگهبانی مشغول بودند، به تصوّر پایان یافتن جنـگ و بر خلاـف سـفارش پیـامبر صـلی الله علیه و آله منطقه اسـتحفاظی خود را ترک کرده به جمع‌آوری غنـایم روی آوردنـد. و چنان‌که می‌دانیم خالدبن ولید با جمعی از افراد قریش

ص: ۳۰

موفّق گردید تا کوه احد را دور زده و از پشت بر مسلمانان بتازد.

از این لحظه بود که مسلمانان و حتّی رسول خدا صلی الله علیه و آله در محاصره قرار گرفتند و جمعی از آنان به شهادت رسیدند، چنان‌که جان رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در معرض خطر جدی قرار گرفت. مسلمانان جز دو سه تن معدود، بقیه از برابر قریش فرار کردند. و تنها علی علیه السلام در پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله شمشیر زد و شرّ دشمنان را دفع می‌کرد. به گفته طبری در این هنگام جبرئیل گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله این نهایت فداکاری است که علی علیه السلام از خود نشان می‌دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن تصدیق گفته جبرئیل فرمود:

«و ما یَمنَعُهُ مِنْ هذا؟! و هو منّی و انا منه!»

یعنی: «چرا چنین نباشد؟! و حال آنکه او از من و من از او هستم!» در دنباله حدیث آمده است که جبرئیل گفت:

«وَ أَنَا مِنْکُمَا»

. در این هنگام ندایی شنیده شد که:

«لَا سَیْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَ لَا فَتَی إِلَّا عَلِیٌّ».(۱)۲۵

تعبیر رسول خدا صلی الله علیه و آله که می‌فرماید:

«هو منّی و انا منه»

بیانگر همان پیمان اتّحاد و یگانگی بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام است. و به جهت تعهّد علی علیه السلام در دفاع از جان رسول گرامی صلی الله علیه و آله امیر مؤمنان ملقب به «قصیم» گردید.(۲)۲۶

۱- . تاریخ طبری ۲/ ۵۱۴.

۲- . یادنامه علامه امینی مقاله «حسین منی و انا من حسین» ص ۳۲۵.

ص: ۳۱

۵. جنگ احزاب

از حقـایق غیر قابـل انکار در تاریـخ اسـلام موضوع نقش علی علیه السـلام در جنگ خنـدق- و یا احزاب- است. با توجّه به قاطعیّت تاریخی این نقش، نیازی به تکرار اصل واقعه نمی‌باشـد و تنها یادآوری دو نکته اساسـی برای پی بردن به نقش علی علیه السـلام در صحنه احزاب کفایت می کند:

الف-

آنگاه که علی علیه السلام در مقابل عمروبن عبدُودّ پهلوان نامی عرب قرار گرفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«بَرَزَ الْإِیمَانُ کُلُّهُ إِلَی الشِّرْکِ کُلِّهِ».(۱)۲۷

یعنی «ایمان به تمام وجود در برابر شرک به تمامی آن جلوه گر شده است».

با توجه به این سخن علی علیه السلام و عمروبن عبدود در آن لحظات سرنوشت ساز دو فرد عادی شمرده نمی‌شدند و بلکه هر کدام سمبلی از یک جریان بودند و یقیناً پیروزی هر کدام می‌توانست تضمین کننده پیروزی جبهه‌ای باشد که آن فرد به آن تعلّق دارد.

ب-

آنگاه که علی علیه السلام در یک نبرد جوانمردانه خصم خود را به خاک افکند، رسول گرامی اسلام در وصف ضربه‌ای که پهلوان قریش را به خاک انداخت فرمود:

«ضَربَهُْ عَلِیّ یَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَهِْ الثَّقَلَیْنِ»(۲)۲۸

؛ یعنی:

۱- . سیرهْالمصطفی ص ۵۰۰، در بحارالانوار آمده است: «برز الایمان کلّه الی الکفر کله» بنگرید به این کتاب ۳۹/ ۱ الی ۷.

۲- . بحارالانوار ۳۹/ ۲.

ص: ۳۲

«ضربه علی در روز (جنگ) خندق از عبادت جن و انس بالاتر است.» تا آنجا که اسناد تاریخی نشان می‌دهد رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد هیچ ضربه دیگر، نه از علی علیه السلام و نه از کس دیگر، چنین توصیفی به عمل نیاورد. حال دلیل این مطلب چه می‌باشد؟

در پاسخ باید گفت: جنگ احزاب چنانکه از نام آن به دست می‌آید، حاصل اتّحاد شومی از سه جناح مشرکان مکّه (آن‌هم قبایل مختلف)، یهودیان مستقر در مدینه و بالاخره منافقان موجود در بین مسلمانان بود، و در صورت پیروزی جبهه متحد شرک و نفاق و یهود، اسلام به طور کلّی از بین رفته و جز نامی از آن در تاریخ باقی نمی‌ماند.

چنان‌که پیروزی مسلمانان نیز می‌توانست وضعیت را از هر جهت به نفع آنان تغییر داده و راه را برای پیروزی‌های بعدی باز کند.

و به همین جهت پس از پایان رسیدن ماجرای احزاب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«الْآنَ نَغْزُوهُمْ وَ لَا يَغْزُونَنَا».(۱)۲۹

اکنون ما با قریش مبادرت به جنگ می‌کنیم و دیگر آنان نمی‌توانند با ما مبادرت به جنگ کنند. و گذشت زمان نیز صدق گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله را روشن کرد. چرا که بعد از

۱- . تفسیر مجمع البیان ۸/ ۵۴۱.

ص: ۳۳

جنگ احزاب مسلمانان در مقابل قریش موضعی تهاجمی اتّخاذ کردند و نهایتاً در سال هشتم هجری و پس از فتح مکّه مشرکان تسلیم کامل شدند و به اسلام گردن نهادند.

لذا با توجّه به نقش منافقان در تضعیف روحیه مسلمانان- که قرآن از آن خبر داده است(۱). احزاب/ ۱۲.(۲)۳۰- باید گفت که نبرد علی علیه السلام با عمروبن عبدود از جنگ دو فرد معمولی به نبرد روانی دو جریان تبدیل گشت. پس از کشته شدن عمروبن عبدود، پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان تکبیر گفتند و با وزیدن باد در سپاه قریش(۳)۳۱ و به هم ریختن خیمه و خرگاه آنان، سپاه مشرکان خسته و کوفته راه بازگشت به مکه را در پیش گرفت.

رسول گرامی صلی الله علیه و آله نیز پس از خاتمه این جریان به سرعت به یهودیان بنی‌قُرَیْظه تاخت و با تار و مار نمودن آنان، از شر این دشمن خانگی آسوده گشت. و این خود دستاورد بزرگ دیگری بود که در پایان جنگ احزاب به دست آمد.

قضایای جنگ احزاب و قلع و قمع یهودیان بنی قریظه در سوره احزاب وارد شده است(۴)۳۲ و خصوصاً برخی از مفسران در تفسیر آیه: «وَ رَدَّ اللَّهُ الَّذِینَ کَفَرُوا بِغَیْظِهِمْ لَمْ یَنالُوا خَیْراً وَ کَفَی اللَّهُ الْمُؤْمِنِینَ الْقِتالَ»(۵)۳۳؛ یعنی: خداوند کافران مکه را با همان خشم و غضبی که به مؤمنان داشتند

۱-

۲-

۳- . همان، آیه ۹ که می‌فرماید: «فَأَرْسَلْنا عَلَیْهِمْ رِیحاً وَ ...».

۴- . همان، از آیه ۹ تا ۲۷

۵- . همان/ ۲۵.

ص: ۳۴

بی آن‌که هیـچ خیر و غنیمتی به دست آورند بازگردانید و خداوند خود امر جنگ را از مؤمنان کفایت نمود- نوشـته‌اند: «خداوند به واسطه علی علیه السلام امر به جنگ را از مؤمنان کفایت نمود».(۱)۳۴

۶. غزوه خیبر

مسلم در کتاب صحیح خود با ذکر چهار حدیث، غزوه خیبر و نقش علی علیه السلام را در آن جنگ توصیف کرده است.

در یکی از این روایات آمده است:

«روزی معاویه با سـعدبن ابی وقّاص گفت: چه چیز تو را از لعن ابوتراب بازداشـته است؟ سـعد گفت: تا وقتی که سه فضیلت از علی علیه السـلام به یـاد دارم- که پیامبر صـلی الله علیه و آله درباره او فرمود- او را سبّ (و لعن) نخواهم کرد. اگر یکی از فضایل از آنِ من بود آن را به شتران سـرخ‌موی ترجیح می‌دادم. (به عنوان یکی از این فضایل) خود شـنیدم که رسول خدا صـلی الله علیه و آله در جنگ خیبر فرمود: (فردا) پرچم را به دست کسی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او رادوست دارند. در آن شـب مـا انتظـار کشـیدیم. فردای آن روز پیـامبر صـلی الله علیه و آله فرمـود: علی را برایم صـدا زنیـد. علی آمـد در حـالی‌که چشمش از درد ورم کرده بود. حضرت

۱- . مجمع البیان ۸/ ۵۵۰.

ص: ۳۵

دست‌های خود را بر چشم علی علیه السلام کشید و پرچم را به دست وی داد و او را روانه نمود. خداوند نیز فتح و پیروزی را به دست علی علیه السلام ظاهر ساخت».(۱)۳۵ طبق روایات دیگر این کتاب، هر سرداری که قبل از علی علیه السلام برای جنگ با یهودیان روانه گشت، ناکام و شکست خورده مراجعت نمود، و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فردا پرچم را به دست کسی می‌دهم که ...» کسی تصوّر نمی‌کرد که این افتخار نصیب علی گردد. زیرا علی علیه السلام از کسالت و ناراحتی چشم رنج می‌برد. عمربن خطّاب می‌گوید: «غیر از روز خیبر در هیچ روز دیگر دوست نداشتم که به امارت و فرماندهی برگزیده شوم. به شدّت مشتاق بودم که بلکه رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا صدا زند. اما رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را صدا زد و پرچم را به دست او داد و به وی فرمود: برو و باز مگرد تا آنکه خداوند پیروزی را به دست تو ظاهر سازد.(۲)۳۶ با فراخوانی علی علیه السلام از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله سه مطلب به شرح زیر واقع گردید:

الف- به دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و به برکت دست آن حضرت، بیماری و ناراحتی علی علیه السلام برطرف گردید؛ و این خود

۱- . صحیح مسلم: ۴/ ۱۸۷۱ روایات ۳۲ تا ۳۵.

۲- . همان: ۴/ ۱۸۷۱ حدیث ۳۳.

ص: ۳۶

اعجازی به شمار می‌رفت.

ب- با نبرد علی علیه السلام قهرمان بزرگ یهودیان- یعنی مرحب- به خاک افکنده شد و قلعه‌های مستحکم یهود یکی پس از دیگری فتح گردید.

ج- موقعیّت ویژه‌ای برای علی علیه السلام در بین یاران رسول‌خدا صلی الله علیه و آله به دست آمد؛ و آن این‌که همگان فهمیدند که: علی کسی است که خدا و رسول را دوست دارد و نیز محبوب خدا و رسول است.

۷. فتح مکّه

در سال هشتم هجری پیامبر صلی الله علیه و آله با ده هزار تن از مسلمانان از مدینه خارج گردید و پرچم اصلی را به دست علی علیه السلام سپرد. آن حضرت دیگر پرچم‌ها را در بین سران قبایل تقسیم کرد و راه مکّه را در پیش گرفت. قبل از ورود مسلمانان به مکّه، عبّاس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله ابوسفیان را در محلّی قرار داد که شکوه و هیبت مسلمانان را تماشا کند و بی‌فایده بودن مقاومت در برابر آنان را مشاهده کند. عباس به‌همین ترتیب‌از ابوسفیان‌نزد رسول‌خدا صلی الله علیه و آله شفاعت‌کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله ابوسفیان را به‌اسلام دعوت نمود. و چنانکه طبری و واقدی نوشته‌اند وی با کراهت تمام شهادتین را بر زبان جاری ساخت و خود و پسرش معاویه را از مرگ رهانید.(۱) ۳۷

۱- . سیرةالمصطفی/ ۵۹۴ و ۵۹۵.

ص: ۳۷

پیامبر صلی الله علیه و آله با سپاهیانی که مکّه طی تاریخ پر فراز و نشیب خود، نظیرش را ندیده بودند و پرچمش در دست علی علیه السلام قرار داشت وارد مکّه شد. پیامبر صلی الله علیه و آله بر دروازه‌های شهر عفو عمومی اعلام کرد و از این عفو تنها هفده مرد و چهار زن را استثنا نمود.

علی علیه السلام در پی آنانی که پیامبر صلی الله علیه و آله خونشان را مباح کرده بود رفت و تعدادی از آنان را به قتل رسانید. دو تن از این افراد- عبداللَّه بن ابی ربیعه و حارث بن هشام- به خانه خواهر آن حضرت امّهانی (دختر ابوطالب) پناه برده بودند و او به آنان امان داده بود. علی علیه السلام در حالی که سراپا زره‌پوش بود در پی آنان وارد خانه شد. خواهرش بدون آنکه او را بشناسد به علی علیه السلام گفت: «من دختر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و خواهر علی بن ابی طالب هستم». در این هنگام علی علیه السلام خود را به خواهر معرّفی کرد، لکن محبت امهانی مانع وی جهت انجام فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله نگشت، بلکه با سلاح کشیده به سوی آن دو حمله نمود. امّهانی خود را بین علی علیه السلام و آن دو حائل نمود و گفت: من به آنان امان داده‌ام. اگر می‌خواهی آنان را بکشی، مرا نیز با آنان بکش. علی علیه السلام که چنین دید آن‌ها را به حال خود گذاشت و از خانه خارج گردید. بنا به روایات دیگر: امّهانی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و درباره آن دو نفر ضمانت کرد. پیامبر به جهت احترامی که برای امّهانی قائل بود ضمانت وی را

ص: ۳۸

پذیرفت، اما در همان حال از علی علیه السلام به خاطر کوششی که کرده بود تشکر نمود.(۱)۳۸ در همین سفر بود که پیامبر صلی الله علیه و آله با اشاره جبرئیل، بت‌هایی را که در داخل کعبه بود سرنگون ساخت و از بین برد. تنها یک بت شیشه‌ای از خُزاعه مانده بود که همچنان بر بام خانه کعبه قرار داشت. در اینجا پیامبر صلی الله علیه و آله به علی دستور داد که آن را نیز براندازد. علی علیه السلام با کمک پیامبر صلی الله علیه و آله از دیوار کعبه بالا رفت و آن بت را برانداخت و از بین برد.(۲)۳۹

۸. غزوه تبوک

غزوه تبوک در سال نهم هجری اتفاق افتاد، در آن سال به پیامبر اطلاع رسید که رومیانی که در آن سوی مرزهای حجاز مستقر هستند، در حال تهیه دیدن سپاه قدرتمندی برای یورش آوردن به اعراب در دیار خودشان هستند.

همین که این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید حضرت فرستادگانی به سوی قبایل گسیل کرد و آنها را فرا خواند تا در دفع تجاوز شرکت جویند. حضرت سی هزار تن از مسلمانان را بسیج کرد و به طرف مرزهای روم به راه انداخت، امّا برخلاف سایر جنگ‌ها علی علیه السلام را با خود نبرد. به گفته محقّقان این

۱- . سیرةالائمة الاثنی عشر ۱/ ۲۴۲.

۲- . همان: ۱/ ۲۴۳.

ص: ۳۹

تنها جنگی بود که علی‌بن ابیطالب علیه السلام در آن شرکت نکرد.

منافقان که درصدد بودند در غیاب پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان شهر مدینه را در اختیار خود گیرند، وجود علی علیه السلام را مانع هرگونه توطئه‌ای می‌دیدنـد. از این رو شایعاتی در مـدینه منتشـر ساختند مبنی بر آنکه پیامبر صـلی الله علیه و آله از علی علیه السـلام اعراض کرده و او را بـا زنـان و کودکـان تنها نهاده است. این شایعات به گوش علی علیه السـلام رسـید و برای دفع هر گونه سوءتفاهم خود را به رسول خدا صلی الله علیه و آله رساند و عرض کرد که:

«أ تُخْلِفُنِی عَلَی النِّسَاءِ وَ الصِّبْیَانِ»

؛ «آیا مرا در کنار زنان و کودکان تنها می‌گذارید؟» لکن رسول خدا صـلی الله علیه و آله با تشبیه موقعیت علی علیه السلام به هارون فرمود:

«أمَا تَرْضَی أنْ تَکُونَ مِنِّی بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَی إلَّا أَنَّهُ لَا نَبِیَّ بَعْدِی؟»

؛ «آیا راضی و خرسند نیستی که در پیش من همانند هارون نسبت به موسی باشی، جز آنکه بعد از من رسولی در کار نخواهد بود؟»

و بنا به روایت دیگر فرمود:

«أَنْتَ مِنِّی بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِن مُوسی إلّا أَنَّهُ لَا نَبِیَّ بَعْدِی».(۱) ۴۰

بنا به روایتی که علامه امینی در کتاب الغدیر آورده است: چون علی علیه السلام در مورد همراهی با رسول خدا صلی الله علیه و آله در این جنگ- اصرار نمود، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: جبرئیل از طرف خدا نازل شده و به من گفته است:

«لَابُدَّ أن تُقیمَ

۱-. صحیح مسلم ۴/ ۱۸۷۰، ۱۸۷۱ باب فضائل علی بن ابی طالب.

ص: ۴۰

او أُقیمَ».(۱)۴۱

یعنی: «چاره‌ای نیست؛ یا باید تو (علی) در مدینه بمانی و یا آنکه من اقامت کنم». و در اینجا بود که علی علیه السلام به مدینه بازگشت و پیامبر صلی الله علیه و آله با سپاه اسلام عازم تبوک گردید؛ هر چند به طوری که در تواریخ آمده است در جنگ تبوک کار به درگیری نظامی منجر نگشت و پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان پس از بستن معاهده‌ای با رومیان به مدینه بازگشتند.

حدیث منزلت که به شکل فوق از رسول خدا صلی الله علیه و آله صادر گردید، سند روشن و گویایی بر صلاحیت علی علیه السلام به عنوان جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز تعیین این جانشینی است. در این حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به عنوان هارونِ امّت اسلامی مطرح کرده است. بنا به تصریح قرآن هارون برادر موسی و یاور او بود و هنگامی که موسی علیه السلام عازم کوه طور بود با تعبیر: «وَ قالَ مُوسی لِأَخِیهِ هارُونَ اخْلُفْنِی فِی قَوْمِی ...»(۲)۴۲ او را به عنوان خلیفه و جانشین خود تعیین نمود. لذا صدور حدیث منزلت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و تشبیه موقعیت علی علیه السلام به هارون برای کسی تردیدی باقی نمی‌گذارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان شایسته‌ترین فرد برای خلافت خود تنها به علی علیه السلام نظر داشته است.

۱- . الغدیر ۵/ ۳۲۹ (با ترجمه فارسی) و نیز سیرةالمصطفی/ ۶۴۵.

۲- . اعراف/ ۱۴۲.

ص: ۴۱

۹. تبلیغ به جای پیامبر صلی الله علیه و آله

در سال نهم هجری آیات ابتـدای سوره برائت نازل گردید که در آن خدای متعال بیزاری خود را از مشـرکان اعلام داشت و به آنان اخطار نمود که پس از امسال دیگر حق نزدیک شدن به مسجدالحرام را نخواهند داشت.

روشن است که لازم بود این پیـام به مشـرکان ابلاغ شـده و مهلت الهی به آنان اعلام گردد. لـذا رسول خـدا صـلی الله علیه و آله به ابوبکر مأموریت داد تا در معیت چهل تن از مسـلمانان به مکّه اعزام شود و ضـمن به جای آوردن مراسم حـج، آیات سوره برائت را در جمع مشرکان قرائت کند.(۱)۴۳ زیرا پس از فتح مکه در سال هشـتم، هنوز قبایل مشـرکی در نقاط دور عربستان وجود داشتند و آنان برای انجام طواف- به همان رسم جاهلیت- در ماه‌های حج به مکه وارد می‌شدند.

ابوبکر پس از دریافت آیات سوره برائت به طرف مکه به راه افتاد. اما هنوز به منطقه ذوالحُلَیفه نرسیده بود که جبرئیل نازل شد و به پیامبر فرمود:

«لَا یُودّی عنکَ إلّا أنتَ أو رجل مِنک»

؛ یعنی: «کسی نمی‌تواند در عوض تو رسالت الهی را ابلاغ کند مگر خودت یا کسی که از تو باشد (و به

۱- . بحارالانوار ۳۵/ ۲۸۴ بـاب نزول سورهٔالبرائه. اضـافه می‌شود که دراین بـاب ۳۰ حـدیث درباره قرائت سوره برائت بر مشـرکان توسط علی علیه السلام ذکر شده.

ص: ۴۲

عبارتی با تو متحد و یکسان باشد).(۱)۴۴ در اینجا بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمان داد تا در پی ابوبکر روان شود و پس از دریافت آیات سوره برائت، به مکه رفته، آن را در جمع مشرکان قرائت کند. علی علیه السلام به راه افتاد و پس از دریافت این آیات، به مکه عزیمت نمود و آیات الهی را در جمع مشرکان ابلاغ کرد.

هنگامی که ابوبکر به مدینه مراجعت کرد و علت امر را جویا گردید. پیامبر فرمود: «جبرئیل از جانب خدای عزوجل نازل شد و به من گفت: در عوض تو کسی نمی‌تواند تبلیغ رسالت کند مگر خودت و یا مردی که از تو باشد. و چون تنها علی از من است و من از اویم، لذا در عوض من کسی ادای رسالت نتواند کرد مگر علی».(۲)۴۵ به عقیده برخی از محققان: علت آنکه در پی نزول جبرئیل رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به جای ابوبکر نامزد این مأموریت نمود آن بود که در اینجا تبلیغ آیات برائت، تبلیغ ابتدایی بود که از شؤون خاصه رسالت محسوب می گردید.

این تبلیغ به عنوان وزارت و معاونت به عهده علی علیه السلام نهاده شد و جهت آن همان اتحاد روحی و معنوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام بود که بر مبنای آن علی علیه السلام می‌توانست عهده‌دار کارهای پیامبر صلی الله علیه و آله گردد. و سخن جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله که:

۱- . سیرهٔالمصطفی ص ۶۷۷ با عنوان: «سورهٔالبرائه».

۲- . یادنامه علامه امینی ص ۳۲۹.

ص: ۴۳

«أنّه لا یُؤدّی عنکَ إلّا أنتَ أو رَجل مِنکَ»

به این معنا بود که: کسی می‌توانـد به نیابت تو و به عوض تو رسالت الهی را تبلیغ نماید که در اثر پیوند و اتحاد با تو برابر بوده و از نظر معنی و روح به منزله شخص تو باشد و چنین کسی از نظر وحی الهی کسی جز علی علیه السلام نخواهـد بود.(۱)۴۶ و امّا در مورد چگونگی انجام این مأموریت چنان‌که مورخان ذکر کرده‌اند: امیرمؤمنان وارد مکه شد و در روز دهم ذی‌حجه بالای جمره عقبه با نـدایی رسا سیزده آیه از سوره برائت را قرائت کرد. و سپس در میان مردم نـدا در داد که: «از این سال به بعد هیچ مشرکی نبایـد وارد مکه شود و کسی هم نبایـد عریان به طواف خانه خدا رود. و هر کس با پیامبر صلی الله علیه و آله عهد و میثاقی دارد تا پایان مدتش بر آن عهد بماند».(۲)۴۷ ناگفته نمانـد که پس از ابلاغ آیات سوره برائت و اتمام حجت‌های بعدی، مشرکان متوجه شدنـد که تنها چهار ماه فرصت دارنـد که تکلیف خود را با اسلام روشن سازنـد و لذا هنوز این مدت سپری نشده بود که مشرکان دسته دسته به آیین توحید روی آوردند و در سال بعد- یعنی سال دهم هجری- شرک در حجاز ریشه‌کن گردید.(۳)۴۸

۱- . با استفاده از یادنامه علامه امینی مقاله: «حسین منی و انا من حسین» ص ۳۲۷.

۲- . سیرة الائمة الاثنی عشر ۱/ ۲۵۹.

۳- . فرازهایی از تاریخ اسلام ص ۴۸۹ با اندکی تلخیص.

ص: ۴۴

۱۰. جریان مباهله

از جمله آیاتی که متضمّن فضیلت ویژه‌ای برای علی علیه السلام است آیه مباهله می‌باشد. این آیه در مورد برخورد با مسیحیان نجران است که در مورد عیسی علیه السلام قائل به الوهیّت بوده‌اند در حالی که قرآن مجید با تشبیه حضرت عیسی علیه السلام به حضرت آدم، عیسی را انسانی اعلام نمود که در شرایط ویژه‌ای خلق شده است.(۱)۴۹ به هر جهت چون مسیحیان به تخطئه عقیده قرآن در مورد حضرت عیسی علیه السلام پرداختند، قرآن با نزول آیه مباهله به شرح زیر آنان را به مبارزه فرا خواند: «هر گاه بعد از علم و دانش که (درباره مسیح) برای تو آمده (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخاستند، به آن‌ها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت می‌کنیم و شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت می‌نماییم و شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود (کسانی که به منزله جان هستند) دعوت میکنیم و شما هم از نفوس خود دعوت کنید، سپس مباهله می‌کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می‌دهیم».(۲)۵۰ به طوری که در روایات آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس

۱- . آل عمران/ ۵۱: «إِنَّ مَثَلَ عِیسی عِنْدَ اللَّهِ کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ...».

۲- . همان/ ۶۱.

ص: ۴۵

از نزول آیه مباهله پیشنهاد خود را برای مسیحیان نجران جهت انجام مباهله مطرح نمود، اما مسیحیان از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضای مهلت کردند تا در این باره بیندیشند و با بزرگان خود به شور بنشینند. نتیجه مشورت آنان این بود که به نفرات خود گفتند: اگر مشاهده کردید که محمد با سر و صدا و جمعیت فراوان به مباهله آمده، با او مباهله کنید؛ که حقیقتی در کار او نخواهد بود. و اگر با نفرات بسیار محدودی- از خاصان و نزدیکان خود- به میعادگاه آمد، بدانید که او رسول خداست و از مباهله با او بپرهیزید که خطرناک است. آنها طبق قرار قبلی به میعادگاه رفتند و ناگهان متوجه شدند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که دست حسنین را گرفته و علی و فاطمه را نیز به همراه خود دارد، نزدیک می‌شود. مسیحیان هنگامی که این صحنه را دیدند سخت به وحشت افتادند و از اقدام به مباهله خودداری کردند. آنها در عوض حاضر به مصالحه شدند و به شرایط «ذمّه» و پرداختن مالیات (جزیه) تن در دادند.(۱)۵۱ جریان مباهله به شرحی که گذشت سند زنده‌ای در فضیلت اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌رود. زیرا به طوری که مفسران در تفسیر آیه مباهله نوشته‌اند: در این آیه مقصود از «ابناءنا» حسن و حسین علیهما السلام، مقصود از «نساءنا» فاطمه زهرا علیها السلام و مقصود از «انفسنا» وجود مبارک علی علیه السلام است. و

۱- . تفسیر نمونه ۲/ ۵۸۲.

ص: ۴۶

چنان‌که مشاهـده می‌شود در این آیه علی علیه السـلام به مثابه نفس و جان پیامبر صـلی الله علیه و آله تلقی شـده که سـند دیگری بر اتحاد روحی و معنوی پیامبر صـلی الله علیه و آله و علی علیه السـلام می‌باشد. زمخشـری مفسـر بزرگ اهل سنت در تفسیر همین آیه نوشـته است: «آیه مباهله دلیل واضـحی بر صـحت نبوت پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله است زیرا احـدی- از موافقان یا مخالفان- روایت نکرده است که مسـیحیان به مبـاهله تن در دادنـد. علاـوه بر آن این آیه قویترین دلیلی است که فضـیلت اهـل کسـاء را ثـابت می‌کند».(۱) ۵۲

۱۱. مأموریت یمن و سفر حجهٔالوداع

در سال دهم هجری رسول خدا صـلی الله علیه و آله علی علیه السـلام را با جمعی از مسلمانان جهت مأموریتی به یمن فرستاد. براءبن عـازب در این خصوص گویـد: «پیـامبر صـلی الله علیه و آله دو گروه از مسـلمانان را روانه سـاخت که در رأس یک گروه علی علیه السـلام و در رأس گروه دیگر خالـدبن ولید قرار داشت. اما سـفارش کرد که اگر جنگی پیش آمد، علی علیه السـلام فرمانده اصـلی باشد. پس از پیروزی، روش علی علیه السـلام در تقسـیم غنایم مورد اعتراض خالد قرار گرفت. لذا نامه‌ای در جهت شـکایت از علی علیه السلام تنظیم کرد و از طریق بُرَیده برای رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد.

بریده گوید: چون به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم و

۱- . تفسیر کشاف ۱/ ۳۷۰.

ص: ۴۷

آن حضرت نامه را خواند، رنگ مبارکش تغییر کرد و سپس فرمود: «چه می گویید درباره مردی که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسولش او را دوست دارند؟!»

بریده گوید: من گفتم که از غضب خدا و غضب رسولش به خدا پناه می‌برم من فقط قاصد و پیام‌آور بوده‌ام؟(۱)۵۳ طبق حدیث دیگری در مورد همین مأموریت، پس از بازگشت مسلمانان از این سفر، چهار نفر آنان تک به تک با رسول خدا صلی الله علیه و آله تماس گرفتند و در مورد رفتار علی علیه السلام در این سفر گلایه‌هایی عرضه داشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله به سخنان آن‌ها گوش فرا داد و سکوت پیشه ساخت. اما چون چهارمین نفر اعتراض خود را نسبت به علی علیه السلام عنوان نمود، حضرت در حالی که غضب از روی مبارکش هویدا بود برخاست و فرمود:

«مَا تُرِيدُونَ فی علیّ؟! مَا تُرِيدُونَ فی علیّ؟! مَا تُرِيدُونَ فی علیّ؟! إنَّ عَلیّاً مِنّی وَ أَنَا مِنه. و هُوَ ولیّ کُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِی»

؛ «از علی چه می‌خواهید؟! از علی چه می‌خواهید؟! از علی چه می‌خواهید؟! (مگر نمی‌دانید که) علی از من است و من از علی هستم. و او ولی و سرپرست هر مؤمنی پس از من است.»(۲)۵۴ از نکات قابل توجه در این سفر آنکه: پس از انجام

۱- . سنن ترمذی ۵/ ۵۹۷.

۲- . همان: ۵/ ۵۹۰.

ص: ۴۸

مأموریت، علی علیه السلام مستقیماً به مدینه بازنگشت، بلکه چون خبردار شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله عازم حج شده است، از راه یمن به مکه آمد و در نزدیکی مکه به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را در لباس احرام مشاهده کرد و از نحوه نیت او جویا گردید، علی علیه السلام گفت:

من هنگام احرام بستن گفتم: بار پروردگارا، به همان نیتی احرام می‌بندم که رسول خدا صلی الله علیه و آله احرام بسته است.(۱)۵۵

این خود گواه دیگری بر اتحاد روحی و هماهنگی کامل پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام می‌باشد.

پیش از آنکه به بیان مسائل دیگری که در حجةالوداع اتفاق افتاد- و از جمله ماجرای غدیر خم- بپردازیم، ذکر این مطلب ضروری است که: همراهان علی علیه السلام در سفر یمن تلاش بسیاری به خرج دادند تا نظر پیامبر صلی الله علیه و آله را نسبت به علی علیه السلام دگرگون سازند. و طبق روایات متعددی که در این باب وارد شده علت ناراحتی آنان از علی علیه السلام سختگیری فوق‌العاده‌ای بود که علی علیه السلام پس از پایان جنگ و نسبت به تقسیم غنایم از خود نشان داد. لذا از جمله توصیفاتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در دفاع از علی علیه السلام به زبان آورد این عبارت معروف است که: «از بدگویی درباره علی علیه السلام دست بردارید؛ که او در اجرای دستور خدا بسیار

---

(۱)

۱- . بحارالانوار ۲۱/ ۳۸۵.

ص: ۴۹

دقیق و سختگیر است و هرگز در زندگی او تملق و مداهنه (سازش) وجود ندارد».(۱) ۵۶

۱۲. معرفی و نصب جانشین

پس از خاتمه مناسک حج رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه جمعیتی که با آن حضرت بودند، آهنگ بازگشت به مدینه فرمود. و چون به منطقه غدیر خم (نزدیک میقات جحفه) رسید جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و این آیه را فرود آورد که: «یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ»(۲) ۵۷؛ یعنی: «هان ای رسول! آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، ابلاغ کن. و اگر این کار را نکردی، رسالت الهی را ابلاغ نکرده‌ای. و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند. خداوند کافران را هدایت نخواهد کرد».

با نزول این آیه، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مسلمانان را در آن نقطه متوقف نمود و دستور داد که آنان از جهاز شتران منبری بر پا نمایند و پس از نماز ظهر خطبه‌ای ایراد نمود.

در این خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله از بی‌اعتباری دنیا سخن به میان آورد و نزدیک بودن رحلت خود را به مسلمانان خبر داد.

۱- . بحار الانوار ۲۱/ ۳۸۵.

۲- . مائده/ ۶۷.

ص: ۵۰

سپس حدیث مشهور ثقلین(۱)۵۸ را ایراد فرمود و مردم را به تمسک در قرآن و حفظ حقوق اهل بیت علیهم السلام سفارش کرد. آنگاه دست علی علیه السلام را گرفت و او را در منظر عموم قرار داد، سپس خطاب به جمعیت سؤال کرد که: «ای مردم کیست که از اهل ایمان به آنان سزاوارتر است؟» گفتند: خدا و رسولش داناترند. پیامبر فرمود: «همانا خدا مولای من است. و من مولای مؤمنین هستم و اولی و سزاوارترم بر آن‌ها از خودشان پس هر کس که من مولای اویم، علی

۱- . این حدیث چنین است: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّه و عترتی‌اهل بیتی. ما ان تمسکتم بهما لن تضلّوا ابداً. و انهما لن یفترقاً حتی یردا علیّ الحوض». یعنی: «من در میان شما دو میراث وزین به یادگار می‌گذارم؛ کتاب خدا و دیگری عترت واهل بیتم. تا وقتی به این دو تمسک جوئید هرگز گمراه نخواهید شد و این دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا آنکه سر حوض کوثر (در قیامت) بر من وارد شوند».

حدیث ثقلین از احادیث قطعی و متواتری است که دانشمندان شیعه و سنی در صدور آن از رسول خدا صلی الله علیه و آله تردیدی ندارد. ابن حجر عسقلانی که از محققان بزرگ اهل سنّت است حدیث ثقلین را به نقل از بیست و چند نفر از اصحاب رسول روایت کرده است. (المراجعات، بخش مستدرک ص ۲۳ تا ۲۵) از دانشمندان شیعه نیز میرحامد حسین هندی در کتاب «عبقات الانوار» حدیث ثقلین را از طریق ۲۰۰ تن از علمای اهل سنت روایت کرده است. (معارف اسلامی ص ۲۱۸) اضافه می‌شود که حدیث ثقلین از قراین مشخصی است که بر عصمت اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اولویت و صلاحیت آنان به جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله صراحت دارد.

ص: ۵۱

مولای او خواهد بود».

حضرت این سخن را سه بار- و بنا به گفته احمد بن حنبل، پیشوای حنبلی‌ها چهار بار- تکرار نمود. سپس دست به دعا برداشت و گفت: «بار خدایا دوست بدار کسی که او را دوست بدارد. و دشمن بدار کسی که او را دشمن دارد. و یاری فرما یاران او را. واگذار واگذارندگان او را».

آنگاه فرمود: «باید آنان که حاضرند این سخن را به گوش غایبان برسانند».

«هنوز جمعیت پراکنده نشده بودند که امین وحی الهی رسید و این آیه را فرود آورد که: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيناً»؛ یعنی: «امروز روزی است که دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم». در این هنگام پیغمبر فرمود، (اللَّه اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی خدا به رسالت من و ولایت علی بعد از من).

سپس آن جمعیت به امیرالمؤمنین علی علیه السلام تهنیت گفتند و با او به عنوان مولای مؤمنان بیعت نمودند و حسّان‌بن ثابت- شاعر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز شعر جالبی درباره این واقعه سرود.(۱)۵۹

۱- . تفضیل ماجرای غدیر در کتاب الغدیر علامه امینی ج ۱ ص ۲۹ تا ۳۴ آمده است.

ص: ۵۲

حدیث غدیر خم از روایات قطعی و متواتری است که شیعه و سنّی بر قطعیت آن اتفاق نظر دارند و چنانکه تحقیقات علامه امینی در جلد اول الغدیر نشان می‌دهد، ۱۱۰ تن از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و ۸۴ تن از بزرگان تابعین و ۳۶۰ تن از دانشمندان اهل سنّت در ردیف ناقلان حدیث غدیر بودند.

پس از واقعه غدیر خم رسول خدا صلی الله علیه و آله با مسلمانان به مدینه مراجعت فرمود. در بازگشت از سفر، حضرتش دچار کسالت شد و به بستر بیماری افتاد. این بیماری روز به روز شدیدتر شد تا آنکه در ۲۸ صفر سال یازدهم هجری، رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که سر بر زانوی علی علیه السلام داشت، چشم از جهان بست. و در شرایطی که سران مهاجر و انصار در محلی به نام سقیفه بنی ساعده اجتماع کرده سرگرم دعوای خلافت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند، علی علیه السلام به تجهیز بدن رسول خدا صلی الله علیه و آله و انجام مراسم کفن و دفن مشغول گردید و حتی حاضر نشد بیعت منفردانه عموی خود عباس را نیز بپذیرد. چرا که حضرتش خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای خود امری قطعی و مسلم می‌دانست و حاضر نبود که قبل از تمام شدن مراسم کفن و دفن رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعتی را- آنهم در خفا و پنهانی- پذیرا گردد در چنین شرایطی کار ابوبکر در سقیفه سامان پذیرفت و به عنوان خلیفه رسول اللّه به مردم معرفی گردید.

ص: ۵۳

جمع بندی و نتیجه‌گیری

آنچه طی صفحاتی معدود از نظر گذشت، نگاهی کوتاه به مهمترین حوادث سیاسی زندگانی علی علیه السلام در حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و هرگز نبایـد تصور کرد این صـفحات در بردارنـده کلیّه فضایـل علی علیه السـلام و یا منعکس کننـده تمام کارهـا و خـدمات علی علیه السـلام در این دوره بوده است. در عین حـال تأمّل در همین حوادث محـدود نشان دهنـده خطوطی در شناخت حیات سیاسی علی علیه السلام همزمان با دوران رسالت به شرح زیر می‌باشد:

۱. علی علیه السـلام در حوادث مهم و سـرنوشت‌ساز دوران رسالت نقشـی فعال و انکارناپـذیر داشت. و بـدون تردیـد پس از رسول گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله مؤثرترین فرد در تثبیت اسـلام و تحکیم پایه‌های آن، علی علیه السـلام بود. حدیث منزلت که در آن منزلت علی علیه السـلام به منزلت هارون تشبیه شده است، سـند روشنی است که نشان می‌دهد رسول خدا صلی الله علیه و آله به این نقش

ص: ۵۴

کاملًا واقف بوده و آن را برای مردم بیان فرموده است. زیرا مطابق آیات قرآن هارون به عنوان وزیر موسی و یار و مؤیّد این پیامبر پیوسته در کنار حضرت موسی علیه السلام قرار داشت و دمی از آن حضرت جدا نگشت.

۲. علی علیه السلام در بین صحابه، نزدیکترین فرد به پیامبرخدا صلی الله علیه و آله بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به عنوان تنها برادر خود در دنیا و آخرت انتخاب نمود. و این مطلب را با تعبیر:

«انتَ اخی فی الدُنیا و الاخِرَهْ»

به دفعات اعلام نمود.

علاوه بر آن رسول گرامی با تعبیر:

«علیّ منّی و انا من علی»

اتحاد روحی و معنوی ویژه‌ای بین خود و علی علیه السلام برقرار نمود. به موجب این اتحاد روحی و معنوی، علی علیه السلام بزرگترین حامی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در مواضع متعدد از تعرض اصحاب به علی علیه السلام جلوگیری کرد.

چنان‌که به موجب همین رابطه علی علیه السلام به عنوان وصی بلافصل رسول خدا صلی الله علیه و آله و جانشین آن حضرت به همه مسلمانان معرفی گردید.

علاوه بر آن علی علیه السلام در بین صحابه از چنان فضایل و موقعیتی برخوردار گردید که برای احدی از صحابه در اولویت آن حضرت نسبت به دیگران- برای جانشینی پیامبر- تردیدی باقی نماند؛ هر چند که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله عده‌ای از صحابه مسیر دیگری را اختیار کردند.

ص: ۵۵

۳. در این دوران بـا وجود پیامبر صـلی الله علیه و آله علی از خود رأی و نظری نـدارد. تاریـخ در خصوص رابطه علی علیه السـلام و پیـامبر صـلی الله علیه و آله جز اطـاعت مطلق علی علیه السـلام از پیـامبر صـلی الله علیه و آله، موضـعی سـراغ نـدارد. و به این ترتیب مهمترین محور در خطّ مشـی سیاسـی علی علیه السلام در این دوره تبعیت او از رهبری امت اسـلامی است. این تبعیت در زنـدگانی علی علیـه السـلام تنهـا بـه یـک موضـع گیری سیاسـی محـدود نمی گردد، بلکـه دامنـه اعمـال عبـادی و شـرعی را نیز فرا می گیرد؛ به طوری که در سـفر حجهٔالوداع، علی علیه السلام که از مسیری جدا از مسیر رسول خدا صلی الله علیه و آله به مکه آمده بود و از نیت پیامبر خـدا صـلی الله علیه و آله اطلاعی نـداشت، تصـمیم گرفت با همین نیتی محرم گردد که رسول خدا صـلی الله علیه و آله جامه احرام پوشیده بود. و چون این مطلب به گوش رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله خرسند شد و او را در عملش تصویب نمود.

ص: ۵۶

ص: ۵۷

منابع و مآخذ

منابع و مآخذ

۱. قرآن مجید

۲. نهج‌البلاغه، به تصحیح دکتر صبحی صالح، تهران دارالاسوهٔ للطباعهٔ والنشر، ۱۴۱۵ ه. ق.

۳. الارشاد، محمدبن نعمان معروف به شیخ مفید، بیروت، موسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰ ه. ق

۴. اسدالغابهٔ فی المعرفهٔ الصحابه، عزالدین بن اثیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ه. ق

۵. بحارالانوار الجامعهٔ لدرر الاخبار الائمهٔ الاطهار، علامه محمد باقر مجلسی، بیروت، موسسهٔ الوفاء، ۱۴۰۳ ه. ق

۶. تاریخ الرسل والملوک، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالتراث العربی.

۷. تاریخ الخلفاء، جلال‌الدین سیوطی، قم، منشورات رضی، ۱۳۷۰ ه. ش.

۸. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکارانش، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ه. ش.

۹. تفسیر مجمع البیان لعلوم القرآن، فضل بن حسن طبرسی،

ص: ۵۸

بیروت، دارالمعرفهٔ، ۱۴۰۸ ه. ق.

۱۰. تفسیر الکشاف، جاراللَّه محمود زمخشری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ه. ق.

۱۱. تفسیر مفاتیح الغیب، فخر رازی، قم، مکتبهٔ الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ ه. ق.

۱۲. الجامع الصحیح معروف به سنن ترمذی، ابوعیسی ترمذی، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۱۳. السیرهٔ النبویهٔ معروف به سیره ابن هشام، محمد بن هشام، بیروت، دارالقلم.

۱۴. سیرهٔالمصطفی، هاشم معروف حسنی، قم، منشورات شریف الرضی، ۱۴۱۳ ه. ق ..

۱۵. شرح نهج‌البلاغه، عزالدین ابن ابی الحدید، بیروت، داراحیاء الکتب العربی، ۱۳۷۸ ه. ق.

۱۶. صحیح مسلم، محمد بن مسلم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ ه. ق.

۱۷. الغدیر فی الکتاب و السنهٔ والادب، عبدالحسین امینی به ترجمه سید جمال موسوی، انتشارات بنیاد بعثت، ۱۳۶۲ ه. ش.

۱۸. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، جعفر سبحانی، نشر مشعر، ۱۳۷۵ ه. ش.

۱۹. سیرهٔالائمهٔ الاثنی عشر، هاشم معروف حسنی، بیروت، دارالتعارف.

ص: ۵۹

۲۰. المراجعات، عبدالحسین شرف‌الدین، به تحقیق و تعلیق حسین راضی، بیروت، ۱۴۰۲ ه. ق.

۲۱. معارف اسلامی، جمعی از نویسندگان، انتشارات سازمان سمت، ۱۳۶۵ ه. ش.

۲۲. یادنامه علامه امینی، به اهتمام دکتر سید جعفر شهیدی و محمد رضا حکیمی، مقاله «حسین منی و انا من حسین» از محمد باقر بهبودی، موسسه انجام کتاب، ۱۳۶۱ ه. ش.(۱) ۶۰

پی نوشتها

۱ (۱). شرح نهج‌البلاغه ۱./ ۱۵، السیرة النبویه معروف به سیره ابن هشام ۱./ ۲۳۶.

۲ (۱). نهج‌البلاغه صبحی صالح/ ۴۰۶.

۳ (۲). همان/ ۴۰۶.

۴ (۱). نهج‌البلاغه صبحی صالح/ ۴۰۶.

۵ (۲). همان/ ۲۵۷.

۶ (۱). سیره ابن هشام ۱/ ۲۶۲ به نقل از ابن اسحاق

۷ (۲). تاریخ طبری ۲/ ۳۲۱.

۸ (۱). سیره ابن هشام ۲/ ۱۵۰.

۹ (۲). سنن ترمذی ۵/ ۵۹۳.

۱۰ (۳). تاریخ الخلفا ۱/ ۱۶۹.

۱۱ (۱). سنن ترمذی ۵/ ۵۹۴.

۱- دکتر مجید معارف، زندگانی سیاسی امام علی علیه السلام، ۱جلد، نشر مشعر - تهران.

ص: ۶۰

۱۲ (۲). سوره حجرات/ ۱۰.

۱۳ (۱). سیره ابن هشام ۲/ ۱۵۳.

۱۴ (۱). جهت اطلاع بیشتر بنگرید به کتاب یادنامه علامه امینی مقاله« حسین منی و انا من حسین» از محمد باقر بهبودی.

۱۵ (۲). هود: ۴۶

۱۶ (۱). تاریخ طبری ۲/ ۳۲۲.

۱۷ (۲). انفال/ ۳۰.

۱۸ (۱). بقره/ ۲۰۷.

۱۹ (۱). مجمع البیان ۲/ ۵۳۵ و نیز بنگرید به تفسیر فخر رازی ۵/ ۲۲۳، اسدالغابه ۳/ ۶۰۱.

۲۰ (۲). جهت اطلاع بیشتر بنگرید به بحارالانوار ۱۹/ ۱۰۶ به نقل از اعلام‌الوری.

۲۱ (۱). سیرةالائمة الاثنی عشر ۱/ ۱۹۱.

۲۲ (۱). ارشاد مفید/ ۶۴.

۲۳ (۲). نهج‌البلاغه صبحی صالح/ ۶۳۱.

۲۴ (۱). بحارالانوار ۴۵/ ۱۵۷.

۲۵ (۱). تاریخ طبری ۲/ ۵۱۴.

۲۶ (۲). یادنامه علامه امینی مقاله« حسین منی و انا من حسین» ص ۳۲۵.

۲۷ (۱). سیرةالمصطفی ص ۵۰۰، در بحارالانوار آمده است:« برز الایمان کلّه الی الکفر کله» بنگرید به این کتاب ۳۹/ ۱ الی ۷.

۲۸ (۲). بحارالانوار ۳۹/ ۲.

ص: ۶۱

۲۹ (۱). تفسیر مجمع البیان ۸/ ۵۴۱.

۳۰ (۱). احزاب/ ۱۲.

۳۱ (۲). همان، آیه ۹ که می‌فرماید:« فَأَرْسَلْنا عَلَيْهِمْ رِيحاً وَ ...».

۳۲ (۳). همان، از آیه ۹ تا ۲۷

۳۳ (۴). همان/ ۲۵.

۳۴ (۱). مجمع البیان ۸/ ۵۵۰.

۳۵ (۱). صحیح مسلم: ۴/ ۱۸۷۱ روایات ۳۲ تا ۳۵.

۳۶ (۲). همان: ۴/ ۱۸۷۱ حدیث ۳۳.

۳۷ (۱). سیرةالمصطفی/ ۵۹۴ و ۵۹۵.

۳۸ (۱). سیرةالائمة الاثنی عشر ۱/ ۲۴۲.

۳۹ (۲). همان: ۱/ ۲۴۳.

۴۰ (۱). صحیح مسلم ۴/ ۱۸۷۰، ۱۸۷۱ باب فضائل علی بن ابی طالب.

۴۱ (۱). الغدیر ۵/ ۳۲۹(با ترجمه فارسی) و نیز سیرةالمصطفی/ ۶۴۵.

۴۲ (۲). اعراف/ ۱۴۲.

۴۳ (۱). بحارالانوار ۳۵/ ۲۸۴ باب نزول سورةالبرائه. اضافه می‌شود که دراین باب ۳۰ حدیث درباره قرائت سوره برائت بر مشرکان توسط علی علیه السلام ذکر شده.

۴۴ (۱). سیرةالمصطفی ص ۶۷۷ با عنوان:« سورةالبرائه».

۴۵ (۲). یادنامه علامه امینی ص ۳۲۹.

۴۶ (۱). با استفاده از یادنامه علامه امینی مقاله:« حسین منی و انا من حسین» ص ۳۲۷.

۴۷ (۲). سیرة الائمة الاثنی عشر ۱/ ۲۵۹.

۴۸ (۳). فرازهایی از تاریخ اسلام ص ۴۸۹ با اندکی تلخیص.

۴۹ (۱). آل عمران/ ۵۱:« إِنَّ مَثَلَ عِيسى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ...».

۵۰ (۲). همان/ ۶۱.

ص: ۶۲

۵۱ (۱). تفسیر نمونه ۲/ ۵۸۲.

۵۲ (۱). تفسیر کشاف ۱/ ۳۷۰.

۵۳ (۱). سنن ترمذی ۵/ ۵۹۷.

۵۴ (۲). همان: ۵/ ۵۹۰.

۵۵ (۱). بحارالانوار ۲۱/ ۳۸۵.

۵۶ (۱). بحار الانوار ۲۱/ ۳۸۵.

۵۷ (۲). مائده/ ۶۷.

۵۸ (۱). این حدیث چنین است:« انی تارک فیکم الثقلین کتاب اللَّه و عترتی‌اهل بیتی. ما ان تمسکتم بهما لن تضلّوا ابداً. و انهما لن یفترقاً حتی یردا علیّ الحوض». یعنی:« من در میان شما دو میراث وزین به یادگار می‌گذارم؛ کتاب خدا و دیگری عترت واهل بیتم. تا وقتی به این دو تمسک جوئید هرگز گمراه نخواهید شد و این دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا آنکه سر حوض کوثر(در قیامت) بر من وارد شوند».

حدیث ثقلین از احادیث قطعی و متواتری است که دانشمندان شیعه و سنی در صدور آن از رسول خدا صلی الله علیه و آله تردیدی ندارد. ابن حجر عسقلانی که از محققان بزرگ اهل سنّت است حدیث ثقلین را به نقل از بیست و چند نفر از اصحاب رسول روایت کرده است.(المراجعات، بخش مستدرک ص ۲۳ تا ۲۵) از دانشمندان شیعه نیز میرحامد حسین هندی در کتاب« عبقات الانوار» حدیث ثقلین را از طریق ۲۰۰ تن از علمای اهل سنت روایت کرده است.(معارف اسلامی ص ۲۱۸) اضافه می‌شود که حدیث ثقلین از قراین مشخصی است که بر عصمت اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اولویت و صلاحیت آنان به جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله صراحت دارد.

۵۹ (۱). تفضیل ماجرای غدیر در کتاب الغدیر علامه امینی ج ۱ ص ۲۹ تا ۳۴ آمده است.

۶۰ دکتر مجید معارف، زندگانی سیاسی امام علی علیه السلام، ۱جلد، نشر مشعر - تهران.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».